



## نقدی بر موسسات پژوهشی دولتی و آثار آنها

(نمونه موردی: معرفی و نقد کتاب «نهضت امام خمینی و دولت اسدالله علم» نوشته فرزاد

سلیمانی)

کوروش دیرباز<sup>۱</sup>

### چکیده

بسیاری از موسسات و مراکز پژوهشی، که ردیف بودجه دولتی دریافت می‌کنند، چندان توجهی به نحوه هزینه‌کرد آن در طرح‌های پژوهشی ندارند و بعضاً واگذاری این طرح‌ها، که عواید مالی خوبی برای نویسندگان دارد، از طریق رانت و آشنایی صورت می‌گیرد. نقایص و ضعف‌های بنیادین این تحقیقات، هدررفت هزینه دولتی را نمایان می‌سازد. این در حالی است که محققان چیره‌دست برای انتشار دستاوردهای تحقیقاتی‌شان با مضیقه مالی روبرو هستند. نمونه‌های زیادی از هدررفت مالی دولتی در موسسات وجود دارد؛ اما در اینجا صرفاً به کتاب «نهضت امام خمینی و دولت اسدالله علم» نوشته فرزاد سلیمانی از انتشارات عروج وابسته به موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی پرداخته می‌شود. بررسی محتوایی این کتاب نشان می‌دهد سواى نقایص ساختاری کتاب، به لحاظ محتوایی، آن گونه که نویسنده مدعی شده از اسناد تازه برای نگارش این کتاب استفاده کرده است، حرف جدیدی از این دوره تاریخی به میان نیامده و اطلاعات ارائه شده برای متخصصان حوزه انقلاب و تاریخ معاصر و علاقه‌مندان به آن، نکات تازه‌ای ندارد و تکرار گفته‌های محققان پیشین است.

واژگان کلیدی: نقد کتاب، نهضت امام خمینی، انتشارات عروج، علم

۱. کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.

## معرفی کتاب

کتاب نهضت امام خمینی (س) و دولت اسدالله علم، نوشته فرزاد سلیمانی در سال ۱۳۹۷ و از سوی نشر عروج وابسته به موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی منتشر شده است. این نویسنده به همراه مجتبی سلطانی احمدی کتاب دیگری با عنوان اسناد دانشگاه پهلوی تألیف کرده اند. این کتاب ۳۸۰ صفحه ای، مشتمل بر یک پیشگفتار و چهار فصل است. فصل اول با عنوان زندگینامه اجتماعی و سیاسی خاندان علم، در بیست صفحه خاستگاه اجتماعی و پیشینه خانوادگی، تولد و تحصیلات و تکوین شخصیت سیاسی علم را مرور می‌کند. ایران از سقوط دیکتاتوری تا سقوط دموکراسی (۱۳۲۰ و ۱۳۳۲ش) عنوان فصل دوم است که در حدود چهل صفحه اوضاع ایران از اشغال را تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بررسی می‌کند. در فصل سوم که با تیتر «علم از کودتای آمریکایی - انگلیسی تا اصلاحات آمریکایی (۱۳۳۲ - ۱۳۴۱) مشخص شده است از صفحه ۶۳ تا ۹۸ به فعالیت‌های علم در این دوره زمانی پرداخته شده است. فصل چهارم با عنوان «بیست ماه نخست وزیری (تیر ۱۳۴۱ - اسفند ۱۳۴۲ش)» ابتدا حدود سی صفحه با سرتیترهایی مواضع مراجع تقلید درباره سیاست‌های دولتی را بررسی کرده است. پس از آن با وارد شدن به موضوع اصلی کتاب، تحولات بیست ماهه نخست وزیری اسدالله علم و اعتراضات مردمی را به بحث گذاشته است. این کتاب دارای سخن پایانی، اسناد و تصاویر و فهرست منابع است. مؤلف هدف از انتشار کتاب را پر کردن خلأ تحولات این دوره عنوان کرده است. وی در این باره می‌گوید: ضرورت تبیین، بررسی ریشه‌ها و زمینه‌های شکل‌گیری حوادث سال‌های نخستین انقلاب اسلامی و نیز چگونگی رویارویی کارگزاران رژیم پهلوی با نهضت اسلامی با توجه به اینکه با گذشت بیش از نیم قرن تاکنون هیچ منبع مستقلی در این خصوص منتشر نشده است، ایجاب می‌کرد تا این اثر با تکیه بر اسناد آرشیوی به بررسی و واکاوی وقایع دوران بیست ماهه نخست وزیری اسدالله علم که همزمان با شروع نهضت امام خمینی است اختصاص یابد و این خلأ تاریخی پر شود»<sup>۱</sup> سلیمانی وجه تمایز این اثر با تألیفات پیشین را

۱. پیشگفتار، ص «ج».

استفاده از «مجموعه سندی که تحت عنوان "اسنادی از نهضت امام خمینی" به تازگی در مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری توسط نشر جمهور ایران منتشر شده است» بیان کرده است.

### نقد کتاب

۱. کتاب تقریباً منابع زیادی دارد و از ۱۱۵ کتاب و تعدادی مجله، روزنامه و منابع آرشیوی استفاده شده است.

۲. اولین نکته‌ای که به نظر می‌رسد، ایرادات ساختاری کتاب است. پرداخت مناسبی با توجه به موضوع کتاب انجام نگرفته است. اختصاص سه فصل از چهار فصل کتاب به مقدمات موضوع، با عناوین «زندگینامه اجتماعی و سیاسی خاندان علم»، «ایران از سقوط دیکتاتوری تا سقوط دموکراسی» و «علم از کودتای آمریکایی - انگلیسی تا اصلاحات آمریکایی» نشان دهنده این نقصان ساختاری است. همچنین در فصل چهارم که با عنوان «بیست ماه نخست وزیری (تیر ۱۳۴۱ - اسفند ۱۳۴۲ ش) مشخص شده است، چهار موضوع با تیترهای «مرجعیت و سیاست (از تعامل تا تقابل ۱۳۰ - ۱۳۴۱ ش)»، «شیخ عبدالکریم حائری یزدی (مؤسس حوزه علمیه قم)»، «آیت الله العظمی سید محمد حسین بروجردی»، «مواضع سیاسی حاج آقا روح الله خمینی در دوره پهلوی اول» و «روابط ایران و آمریکا در دوره پهلوی دوم» آمده است که هیچ تناسبی با عنوان این فصل ندارد. به عبارت دیگر مخاطب کتاب با خواندن عنوان این فصل، انتظار طرح شدن چنین مباحثی را ندارد.

۳. از مقدمات اولیه پژوهش رعایت اصل بی طرفی و به کارگیری گفتار علمی است؛ در حالی که نویسنده این کتاب از لحن ارزشی استفاده کرده است. برای نمونه در یکی از عناوین فصول چنین آمده است: «از کودتای آمریکایی - انگلیسی تا اصلاحات آمریکایی». اتخاذ چنین رویکردی نشان می‌دهد نویسنده از آغاز تعلق خاطر خود به یکی از طرف‌های مناقشه (نهضت امام خمینی) را آشکار کرده است. یکجانبه‌نگری و سیاست زدگی از آفاتی است که متأسفانه بسیاری از تحقیقات معاصر با شدت و ضعف به آن گرفتارند.

۴. عموماً یک کتاب از مطالب پیشگفتار آن شناخته و سنجیده می‌شود. نویسنده در پیشگفتار کتاب نتوانسته است موضوع را تبیین کند چرا که از ابتدا تا انتها فقط به یکی از متغیرهای تحقیق، یعنی اسد الله علم پرداخته و هیچ اشاره‌ای به نهضت امام خمینی و ویژگی‌های آن نکرده است؛ چنانچه شخصی بدون اطلاع از عنوان، پیشگفتار را مطالعه کند، گمان می‌کند کتاب درباره زندگینامه سیاسی اسدالله علم است، همچنین در پارگراف پایانی پیشگفتار فعالیت‌های علم بعد از نخست وزیری تا مرگ آمده است. افزون بر این، اطلاعات ارائه شده از اسدالله علم در پیشگفتار، برای متخصصین حوزه انقلاب و تاریخ معاصر و علاقه‌مندان به آن، نکات تازه‌ای ندارد و تکرار گفته‌های اشخاصی همچون ماروین زونیس است. ادبیات تحقیق یا اشاره به کسانی که درباره علم پژوهش کرده‌اند نیز، ناقص است. نویسنده به محمدعلی مصنف و کتابش امیر شوکت الملک علم (امیرقاین) که در عصر پهلوی و در ستایش از پدر اسدالله علم نوشته شده، اشاره نکرده است. بررسی این اثر می‌توانست پیشینه فکری و خاندانی علم را برای مخاطبان مشخص کند. نویسنده در پیشگفتار درباره مندرجات کتاب نیز توضیحی نداده است.

۵. این پژوهش اگر چه مدعی بررسی نهضت امام خمینی (س) و دولت اسدالله علم بر پایه اسناد تازه منتشر شده است، اما عملاً به جز یکی دو مورد، داده تاریخی جدیدی عرضه نمی‌کند. تعداد این اسناد که در ضمایم تصاویرشان آمده، ۲۱ مورد است. از این تعداد، یک سند عکسی از دیدار شاه با کابینه اسدالله علم است، یک سند تکرار بخش‌هایی از یک سند دیگر است و یک سند نیز متن تلگرام امام خطاب به هیئت دولت. بنابراین ناگفته پیداست که هیچ‌ده سند برای بررسی دوره بیست ماهه ناکافی است و نمی‌توان با آن خلأ یک دوره تاریخی را پر کرد. در تأیید این مدعا به «سخن پایانی» کتاب ارجاع داده می‌شود. جایی که حاصل و میوه مباحث می‌بایست ذکر شود اما نویسنده صرفاً با بیانی اخلاقی به سرزنش اخلاقی علم و شاه در واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ می‌پردازد: «شاه و علم اشتباه بزرگ و غیر قابل جبرانی کردند که عامه مردم عزادار را به گلوله بستند، زیرا واقعه ۱۵ خرداد پایه‌های انقلاب را محکم و ریشه دار کرد...وقایع ۱۵ خرداد چهره وحشتناکی از شاه و حکومت پهلوی ارائه داد...» و سخن جدیدی

که مدعی شده در اسناد آمده، ارائه نکرده است. در بهترین حالت اگر این اسناد اطلاعات جدیدی داشته باشند، شاید بتوان در تدوین یک مقاله بهره برد.

